بررسی عملیات والفجر ۸ در گفت‌وگوی «جوان» با محمود نجیمی، از رزمندگان حاضر در عملیات

والفجر ۸ لرزه بر اندام فرماندهان عراقی انداخت

■ احمد محمدتبریزی

انجام عملیات والفجر ۸ در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ یکی از موفقیت‌ترین عملیات‌های ایران در دوران دفاع مقدس بود. عبور از اروند و گرفتن فاو شاهکار بزرگی از سوی رزمندگان بود که با وارد کردن هراس و ترس بر پیکر ارتش عراق، حامیان غربی و ناظران بین‌المللی را در بهت فرو برد. محمود نجیمی در زمان عملیات والفجر ۸ به عنوان معاون گروهان در منطقه حاضر بود و ارتباط مستقیمی با فرماندهان و رزمندگان داشت. نجیمی که امروز به عنوان راوی و پژوهشگر دفاع مقدس فعالیت می‌کند در گفت‌وگو با «جوان» ضمن بررسی موشکافانه و جزئی عملیات، موارد و مسائل جنبی والفجر ۸ را هم مورد ارزیابی قرار می‌دهد که در ادامه می‌خوانید.

■■■

برای شروع توضیح بدهید شرایط زمانی و تاریخی عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ چگونه بود؟ آیا قبل از این تاریخ ما مهیای انجام عملیاتی به این بزرگی بودیم و در این سال چه اتفاقی افتاد که ما توانستیم عملیات موفقی به این بزرگی انجام دهیم؟

ما یک بار دیگر در سال ۱۳۶۱ به منطقه والفجر ۸ رفتیم. بعد از والفجر مقدماتی اتفاقاً لشکر امام حسین(ع) را مأمور کرده بودند تا اطراف فاو عملیات انجام دهد. حتی آقای ابوشهاب و تعدادی از بچه‌ها به منطقه شناسایی رفتند و مشغول شناسایی شدند. من یک سندی را خواندم که حتی سپاه در آن منطقه برای شناسایی چند اسیر داد.

یعنی رفتن به این منطقه از آن زمان جزو برنامه‌هایمان بود؟

جزو برنامه‌هایمان بود ولی هدفمان ماندن نبود. به اصطلاح خودمان فرماندهان گفتند گریزی می‌زنیم تا ببینیم چه می‌شود. آیا می‌گیرد و امکان‌پذیر است؟ همان زمان شهید صیاد شیرازی پیشنهاد می‌دهد که روبه‌روی آبادان و ابتدای منطقه عملیاتی کربلای ۴ ما سه جاده را بگیریم و به سمت بصره و فاو حرکت کنیم. این ایده را صیاد شیرازی می‌دهد و حتی مانورش را در گاوخونی اصفهان می‌گذارد. یعنی با هلیکوپتر سربازان را در گاوخونی اصفهان پیاده می‌کند و مانوری انجام می‌دهد. بچه‌های لشکر امام حسین(ع) را هم به آبادان و جزیره مینو برای شناسایی می‌برند. ما جزو کسانی بودیم که سمت اروند برای شناسایی رفتیم. در جزیره مینو برای شناسایی رفتیم و بعداً من فهمیدم که دلیل شناسایی رفتن‌مان به این منطقه این بود که شهید صیادشیرازی طرحی داده بوده که اینجا عملیات کنیم.

سرانجام این عملیات به کجا رسید؟

به هرحال این عملیات صورت نگرفت و بهتر عملیاتی نشد چون آن زمان آمادگی انجام این عملیات را نداشتیم. بعدها طرحی که سپاه برای فاو داد ولو اینکه ایذایی جلو می‌رفتیم طوری بود که باید در یک طرف با دشمن می‌جنگیدیم. پشت‌سرمان اروند بود که از آن عبور می‌کردیم، سمت چپمان هم دریا و روبه‌رویمان خور عبدالله بود. ما فقط سمت راست با عراقی‌ها می‌جنگیدیم. جالب اینجاست که آن زمان با عملیات ایذایی سپاه در فاو موافقت نشد و عملیات پیشنهادی شهید صیاد شیرازی هم که بخواهند ما را با هلیکوپتر به ابوالخصیب ببرند، صورت نگرفت. اگر اجرایی می‌شد در سه طرف باید با دشمن می‌جنگیدیم. یعنی اگر از آبادان به آن سمت اروند می‌رفتیم از روبه‌رو باید با عراقی‌ها می‌جنگیدیم، چپ‌مان سمت فاو بود و از راست‌مان و از طرف بصره هم باید می‌جنگیدیم. مشخص بود که موفق نمی‌شدیم. این ایده در ذهن فرماندهان سپاه بود تا اینکه در عملیات والفجر مقدماتی موفق نبودیم و در والفجر یک هم بین فرماندهان اختلافاتی وجود داشت و درگیری‌هایی بین فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه به وجود آمد. شهید صیاد شیرازی می‌گفت که فرماندهان ارتش می‌گویند چرا فقط سپاه باید پیشنهاد عملیات بدهد که آقای رضایی می‌گوید شما هم طرح عملیات بدهید. آقای رضایی می‌گوید برادران ارتش پیشنهاد عملیات دادند و حتی ما هم خط‌شان را شکستیم. این اتفاق برای سال ۶۲ است. بعد از خیبر در والفجر مقدماتی عدم‌الفتح داشتیم. در والفجر یک تهرانی‌ها شمال فکه عملیات کردند و ما در شرحانی عملیات کردیم. طرح عملیات کاری به سپاه نداشت و ما رفتیم خط را برای ارتش بشکنیم که شکستیم ولی پشتیبانی نشدیم.

دلیل ناموفق بودن این طرح به چه عامل یا عواملی برمی‌گشت؟

من در شرحانی معاون گروهان بودم و آنجا شاهد یک نکته بسیار مهم بودم. وقتی سپاه طرح عملیات می‌ریخت و به خط عراقی‌ها می‌زدیم، از اصل غافلگیری استفاده می‌کردیم. یعنی می‌رفتیم، معبر باز می‌کردیم و روی سر عراقی‌ها می‌ریختیم. در بیشتر مواقع هم جواب می‌داد. بالاخره توان نظامی و تسلیحاتی ما در حد عراقی‌ها نبود و عراقی‌ها امکانات نظامی‌شان خیلی بیشتر از ما بود و باید از غافلگیری استفاده می‌کردیم. وقتی برای طرح ارتش رفتیم و خط را شکستیم ناگهان دیدیم توپخانه ارتش مشغول ریختن آتش شد. با این کار عراقی‌ها را بیدار کردند و به جان ما انداختند. با این حال بچه‌ها خط را شکستند و پیشروی کردیم ولی طرح در رسیدن به اهداف ناموفق بود.

پس از این فرماندهان سپاه طرح عملیات والفجر ۸ را ریختند؟

حالا در این بحران فرماندهان سپاه خلاقیت به خرج دادند. گفتند کجا برویم که این همه توپ و تانک عراقی‌ها نتواند با ما بجنگد که به منطقه هور رسیدند. در هور عملیات خیبر و بدر را انجام داده و یک تجربه عالی به دست آورده بودیم. فرماندهان در این تجربه آبی دیدند می‌توانند از آب عبور کنند. به نظرم والفجر ۸ با ایده حسن باقری و پشتیبانی محسن رضایی انجام شد.

البته اصل غافلگیری و یکسری اتفاقات دیگر افتاد که خیلی مهم بود. مثلاً سپاه جاسوس‌های عراقی را می‌گرفت و به آنها اعلام می‌کرد ما اعدامتان نمی‌کنیم ولی چیزهایی را که ما می‌گوییم باید به دشمن مخابره کنید. آنها هم مخابره می‌کردند که ایرانی‌ها در هور می‌خواهند عملیات انجام دهند. یا وقتی می‌خواستیم ادوات را به فاو ببریم مستقیم ادوات را به منطقه نمی‌بردیم و می‌آمدیم ادوات را به سمت هورالعظیم می‌بردیم. جاسوس‌ها و ستون پنجم هم این تحرکات را می‌دیدند. بعد شب‌ها رزمندگان امکانات نظامی را به نخلستان‌ها می‌بردند. رعایت اصل غافلگیری و پیدا کردن جاسوس خیلی مهم بود. یکی از فرماندهان تیپ‌های عراقی که اسیر شده بود می‌گفت من می‌دانستم شما می‌خواهید عملیات کنید و به فرماندهان رده بالا هم گزارش دادم اما آنها می‌گفتند ایرانی‌ها به این دلایل در هورالعظیم عملیات انجام خواهند داد. عراقی‌ها حتی در هور هنگام شناسایی از ما اسیر گرفته بودند. سپاه به همه یگان‌هایش ابلاغ کرد همه‌تان باید در هورالعظیم یک جبهه داشته باشید. علناً می‌گفتند هورالعظیم که می‌روید باید پشت بیسیم‌هایتان صحبت کنید. دشمن این موارد را رصد می‌کرد و می‌فهمید. این خیلی فکر است. از آن طرف ما چند عملیات قبلی را شکست خورده بودیم و ارتباط معنوی رزمندگان با خدا بالا رفته بود. در هر عملیاتی که غرور ما را می‌گرفت عملیات بعدی‌مان خراب می‌شد. جنگ ما جنگ نظامی و معنوی بود و اگر معنویت را از جنگمان می‌گرفتیم، موفقیتی حاصل نمی‌شد. در این عملیات هم خدا کمک کرد و این حماسه بزرگ که به نظرم بی‌نظیرترین حماسه دفاع مقدس بود، اتفاق افتاد.

عراقی‌ها اتاق فکر داشتند و می‌گفتند اروندِ روبه‌روی آبادان کمتر از ۲۵۰ متر است. عراقی‌ها در طول جنگ هیچ‌گاه نتوانستند از هیچ کجای اروند پل بزنند اگر هم بعضی جاها می‌گویند عراقی‌ها روی اروند پل زده‌اند، درست نیست. فرماندهان عراقی در کتاب‌هایشان مثل «ویرانه‌های دروازه شرقی» اشاره کرده‌اند که به فکر عبور از اروند و گرفتن آبادان افتادیم ولی وقتی دیدیم نمی‌شود، ۴۵ کیلومتر راهمان را برای گرفتن آبادان دور کردیم. عبور از اروند کار خیلی بزرگی بود که رزمندگان انجام دادند.

شما در لشکر امام حسین(ع) بودید و اینکه می‌گویند شهید حسین خرازی مخالف این عملیات بود، گفته درستی است؟

حسین خرازی و احمد کاظمی اول کار مخالف عملیات بودند. من این جمله را اولین بار از شهید خرازی شنیدم که گفت آماده باشید می‌خواهیم یک جنگ تمام عیار انجام بدهیم. من هیچ وقت این جمله را حتی در شلمچه از شهید خرازی نشنیده بودم. در شلمچه می‌گفت باید عاشقانه جنگید ولی در فاو تأکید داشت باید با تمام وجودمان بجنگیم. آنقدر که در فاو جنگیدیم هیچ کجا آنقدر نجنگیدیم. من از اول درگیری فاو که به گارد ریاست جمهوری زدیم و آن طرف رفتیم مدت زمان زیادی در منطقه بودم و باید اذعان کرد فقط دو، سه شب توانستیم در فاو پیشروی کنیم. بقیه روزها و شب‌ها دیگر پیشروی نداشتیم و فقط دفاع کردیم. شب اول پشت جاده فاو - البحار رفتیم، شب دوم زدیم به سمت جاده فاو - ام‌القصر رفتیم و شب سوم توانستیم سمت جاده فاو به بصره پیشروی کنیم. ما همین سه شب را پیشروی کردیم. شهیددستواره با نیروهای لشکر حضرت رسول در جاده ام‌القصر عملیات کرد که بتوانند خاکریز جاده آسفالت بزنند ولی نتوانستند موقعیت را نگه دارند و برگشتند. فقط توانستیم بعد از والفجر ۸ دریاچه نمک که معضلی برای سپاه شده بود و تلفات زیادی می‌داد را با طرح ابتکاری شهید خرازی به فرماندهان سپاه صاف کنیم تا تلفات کمتر شود. بعد از آن جبهه فاو خیلی آرام‌تر شد.

این درست است که قرار بود با گرفتن اهداف اصلی عملیات والفجر ۸ بحث پایان جنگ مطرح شود؟

این را من از زبان آقای خرازی و بعدها از آقای رضایی شنیدم. آقای رضایی تعریف می‌کرد وقتی نقشه فاو را برای آقای هاشمی برده تا ایشان را برای انجام عملیات توجیه کند درباره دلایل‌شان برای انجام عملیات گفته که در صورت موفقیت با کویت همسایه می‌شویم، دست عراق از آب خلیج فارس کوتاه می‌شود و دو اسکله نفتی عراق را هم می‌گیریم. وقتی طرح مورد قبول واقع می‌شود آقای هاشمی می‌گوید اگر تمام اهداف مورد نظر عملیات به دست آید، جنگ را ادامه نخواهیم داد. آقای محسن رضایی هم این حرف را به فرمانده لشکرها می‌گوید. حالا بعدها در ادامه مسائلی پیش آمد که امکان انجام این گفته محقق نشد. بعد از والفجر ۸ امیر کویت صدام را مسخره می‌کرد و می‌گفت ما یک فاصله کوچک آب با هم همسایه بودیم که آن را هم ایرانی‌ها گرفتند و ما را با ایرانی‌ها همسایه کردید.

عملیات والفجر ۸ و تبعات موفقیتش چه تأثیری در ادامه جنگ داشت؟

تأثیر والفجر ۸ در دنیا خیلی گسترده بود. شهید سوداگر تعریف می‌کرد از یکی از عراقی‌ها که فرمانده لشکر ۱۴ عراق بود پرسیدند به عنوان فرمانده چه زمانی ترسیدید؟ می‌گفت وقتی شما به فاو حمله کردید رسانه‌های عراقی می‌گفتند ایرانی‌ها در محاصره هستند ولی وقتی من را به عنوان فرمانده به منطقه فرستادند و از روی دکل می‌خواستم منطقه را رصد کنم، دیدم ایرانی‌ها اینطرف هستند و واقعاً استخوان‌هایم لرزید و گفتم اینها که از اروند عبور کرده‌اند، حکومت ما را هم می‌توانند سرنگون کنند. عراقی‌ها غیر از اینکه در خودشان خرد شدند در دنیا هم ابرو و حیثیت‌شان رفت. دنیا بعد از والفجر ۸ کمک‌های مالی و نظامی‌اش را به عراق بیشتر کرد تا ما پیروز نشویم. ما بعد از والفجر ۸ به سلاح‌های جدیدی در ارتش عراق برمی‌خوردیم و معلوم بود این پیروزی ولوله‌ای در دنیا به پا کرده است. دلیل اصلی شکست کربلای ۴، پیروزی در والفجر ۸ بود. در والفجر ۸ توانستیم سر ستون پنجم، جاسوسان و منافقین کلاه بگذاریم و حتی خودمان هم وقتی برای شناسایی به فاو رفتیم، فکر نمی‌کردیم در این منطقه بخواهیم عملیات کنیم. ببینید چقدر اصول حفاظتی رعایت شده بود. چون این کارها را کرده بودیم در عملیات بعدی همه از جمله اطلاعات، استخبارات، سیستم‌های شنود، ستون پنجم، منافقین و دستگاه‌های جاسوسی کشورهای دیگر بسیج شدند تا به کمک عراقی‌ها بیایند و عملیات بعدی‌مان را کشف کنند. وقتی ما یکباره در والفجر ۸ از اروند عبور کرده بودیم، عراقی‌ها نمی‌دانستند باید چه کار کنند تا ما از اروند عبور نکنیم. در کربلای ۴ هم اگر عراقی‌ها همان شب اول متوجه حضورمان نمی‌شدند همان بلایی سرشان می‌آمد که در والفجر ۸ آمده بود. در والفجر ۸ بارندگی باعث شد ما به اهدافمان برسیم. عملیات ایذایی که در حول و حوش شلمچه و خرمشهر توسط تهرانی‌ها و سمنانی‌ها انجام شد و تا آخرین نفر آنجا جنگیدند در به ثمر رسیدن عملیات والفجر ۸ خیلی مهم بود. دشمن فکر نمی‌کرد فاو منطقه عملیاتی اصلی‌مان باشد. ارتش هم گفته بود در شلمچه عملیات می‌کند و همه امکانات و تجهیزات را در آن منطقه دیده بودند و مجموع این عوامل یک موفقیت مهم در تاریخ دفاع مقدس برایمان به ارمغان آورد.

محمود نجیمی در کنار شهید خرازی

گزارش

والفجر ۸؛ بازی رسانه‌ای بعثی‌ها و دستگاه تبلیغاتی غرب

■ آرمان شریف

نحوه برخورد رسانه‌های بین‌المللی در دوران دفاع مقدس روندی ثابت و معمول داشت. رسانه‌های خارجی با نزدیک شدن فصل زمستان و زمان عملیات‌های سالانه و بزرگ ایران که از وسعت زیادی برخوردار بود، اخبار و تحلیل‌هایشان را پیرامون منطقه عملیات ارائه می‌دادند و منتظر آغاز عملیات و نتایج آن بودند.

به گزارش «جوان»، با اینکه رسانه‌های خارجی در طول عملیات‌های بزرگ ایران سعی می‌کردند با جهت‌گیری‌های خاص ارزش کار رزمندگان را پایین بیاورند و از بزرگی کار کم کنند، این بار در مقابل کار بزرگ نیروهای ایرانی در عملیات والفجر ۸ و منطقه فاو نتوانستند نتایج بزرگ این عملیات را پنهان کنند.

با این حال پیش از شروع عملیات، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی همسو با برخی فرماندهان عراقی سعی در ضعیف نشان دادن توان نظامی ایران داشتند و به دنبال القای ضعف نظامی و لجستیکی ایران بودند. روزنامه تایمز لندن در همین زمینه می‌نویسد: «آنها قبلاً به پیروزی‌های کوتاه‌مدتی دست یافته‌اند لیکن تاکنون ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگی‌های لجستیکی را که لازمه آن است، ندارند».

خبرنگار رادیو امریکا هم در همان روزهای شروع عملیات با لحنی طعنه‌آمیز بیان کرد: «حملات تهاجمی ایران خاطرنشان می‌سازد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته‌اش پیروزی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورده است». سفیر عراق در ژاپن هم در گفت‌وگو با روزنامه یومیوری ژاپن چنین گفت: «این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای ایران به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس».

عراقی‌ها با جوسازی‌های رسانه‌ای سعی در بزرگنمایی قدرت نظامی خود و تحقیر نیروهای ایرانی داشتند. آنها با ایجاد جنگ روانی گسترده به دنبال مشخص شدن نتیجه عملیات، پیش از شروع بودند. ماشین تبلیغاتی آنها با این منظور که مردم و نیروهای ایرانی با دنبال کردن این اخبار دچار یأس و ناامیدی خواهند شد، کارش را شروع کرده بود. با شروع عملیات و پیشروی رزمندگان و غافلگیری و شکست تاکتیکی نیروهای عراقی، رسانه‌ها شگفت‌زده روند انجام عملیات را پیگیری می‌کردند. عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در تاکتیک و زمان در برابر رزمندگان دچار انفعال شد و به‌رغم تلاش‌هایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن نیروهای ایرانی موفقیت کسب کند.

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی، رفته رفته لحن سران ارتش بعث و رسانه‌های حامی‌شان تغییر کرد. آنها نخست در تلاش بودند غافلگیری و ضعف نیروهای عراقی را پررنگ نشان دهند و اشاره‌ای به قدرت نیروهای ایرانی نداشته باشند ولی هر چه که از عملیات می‌گذشت و پرده‌ها کنار می‌رفت، توان و قدرت رزمندگان بیشتر عیان می‌شد.

ماهر عبدالرشید از فرماندهان سرشناس عراقی مجبور به اعتراف و پذیرفتن شکست شد و گفت: «ایران در عملیات‌های نظامی خود روش‌های نوینی را به کار برده است و بر خلاف توقع در شرایط جوی سختی که باران‌های شدید می‌بارید با استفاده از مردان قورباغه‌ای و پیشقراولان رزمی خود را به مواضع عراقی‌ها نزدیک کرد.»

متعاقب شرایط جدید عراقی‌ها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان در فاو نبودند. لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القبس اینگونه گفت: «مسئله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی‌توانیم آن را منکر شویم و برایمان ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.»

یک خبرنگار خارجی با توصیف وضعیت نامطلوب عراقی‌ها پس از عملیات والفجر ۸ از دست دادن فاو از سوی عراقی‌ها را چنین بیان می‌کند: «صدام‌حسین خوب می‌داند که ایرانی‌ها با عبور از اروند و تصرف شهر فاو چنگ در گلوی او انداخته‌اند و تنها معجزه می‌تواند او را از مهلکه نجات دهد.»

با این حساب عراق به ناچار و از موضع ضعف و ناتوانی اعلام کرد به صورت موقت از بازپس‌گیری فاو منصرف شده و این مسئله را به موقعیت دیگری موکول کرده است و به صورت رسمی اعلام کرد که در شرایط فعلی قادر به بازپس‌گیری فاو نیست. تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس‌گیری آن واکنش‌های زیادی در رسانه‌ها داشت.

خبرگزاری رویترز پس از این صحبت‌ها در گفت‌وگو با کارشناس‌های نظامی چنین نتیجه گرفت: «حملات موفقیت‌آمیز ایران به عراق، برای اولین بار به آن کشور امتیاز نظامی بخشیده است و می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج فارس باشد.»

با تمام تلاشی که رسانه‌های غربی و عربی برای ضعیف نشان دادن ایران و مخفی نگه‌داشتن اخبار عملیات والفجر ۸ داشتند، بزرگی موفقیت رزمندگان در آخر آنها را هم مجبور به عقب‌نشینی کرد. ایران در کنار پیروزی در عملیات، جنگ رسانه‌ای را هم از عراقی‌ها برد تا ابعاد گسترده این پیروزی به سراسر جهان مخابره شود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۰۳۱

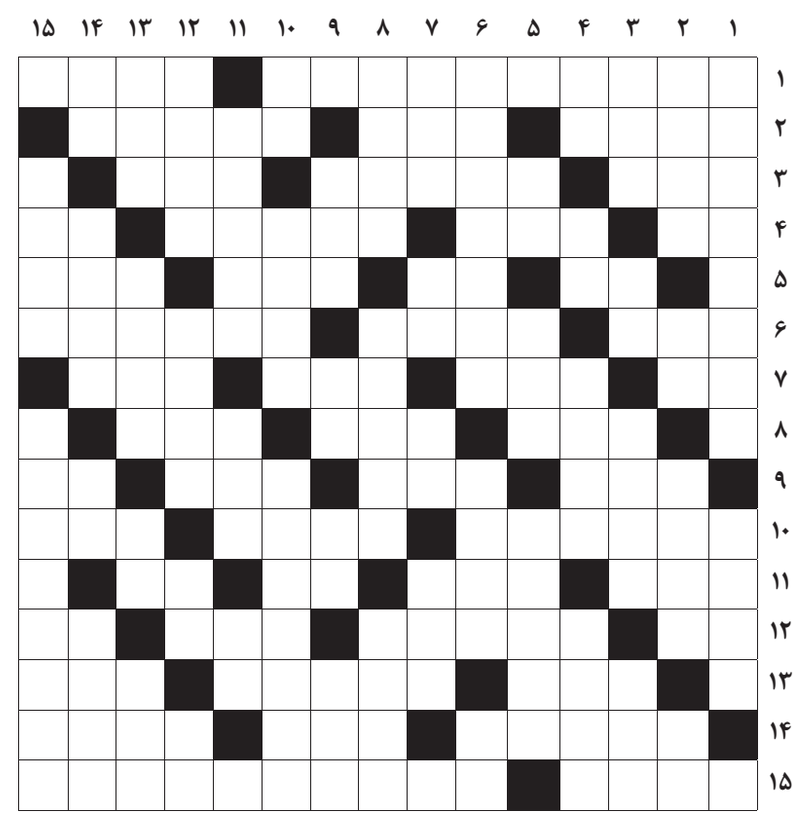

از راست به چپ

■ ۱- مطالعه روابط بین افراد و گروه‌ها و طبقات اجتماعی- نوعی بیمه برای خودرو ■ ۲- متعهد- حسن معاشرت- ظرف مسی ■ ۳- گندم از آسیاب برگشته- فرزند- درخت خوش قد و بالا ■ ۴- دشمن سخت- آهن- طایفه- پرحرفی ■ ۵- شهر ارگ- نگاه خیره- صد و یازده- نوعی حکم ■ ۶- پول معتبر- دیرنشین- از شاخه‌های تخصصی پزشکی ■ ۷- راندن مزاحم- کبد- زرد انگلیسی- اسب چاپار ■ ۸- خالص- امام رضا(ع) ضامنش بود- میانسال ■ ۹- گراز- سطل- لرزانک میوه- پژمرده ■ ۱۰- وسیله پیداکردن جهت جغرافیایی- چهره نما- مظهر و نشان ■ ۱۱- گردنبند- پارچه مشبک- جایگاه مخصوص در سینما- علامت بیماری ■ ۱۲- پسوند خریدار- باجناق- کشور سبا- آش ■ ۱۳- بذله‌گوی ایرلندی خالق ژاندارک- مار بزرگ و بی زهر- خواب سبک ■ ۱۴- از سازهای زهی- ته نشین مایعات- محل مخصوص برای تربیت اسب ■ ۱۵- روزآمد- شاعر معروف اصفهانی که در زمان شاه سلیمان و شاه عباس دوم می‌زیست

از بالا به پایین

■ ۱- نویسنده فارسی شکر است- سوغات یزد ■ ۲- تور بزرگ کاهکشی- صریح- سطرها- محبت ■ ۳- اجرت- پروفسور حیوانات- گذشته- سلطان جنگل ■ ۴- عمو- زهر- بسکتبالیست سابق امریکایی با نام مایکل- کوبیدنی مطبخ ■ ۵- یک دور مسابقه تنیس- نژاد- پولدار ■ ۶- مزرعه برنج- قاضی- سخن صریح ■ ۷- صدا و آواز- پایمال شده- خاندان- صدای موتور نامیزان ■ ۸- سیاه و سفید- ناگهان- کشور مس ■ ۹- گرد و خاک- سرمربی تیم ملی آلمان- پهلوان- قدرت و توان ■ ۱۰- تیر پیکاندار- از سایت‌های اینترنتی- چرکی شدن لثه‌ها ■ ۱۱- نژاد هند و اروپایی- بالای بدن- سه کیلو ■ ۱۲- کیسه پول- صدای اسب- هزار کیلو ■ ۱۳- دشمن فرشته- کوه‌ها- صدایش طنین زندگی است- نوشیدنی سنتی ■ ۱۴- عدد منفی- آب نه گرم نه سرد- قدم یک‌پا- جایزه نفر دوم ■ ۱۵- شهرآورد فرهنگستان- تاکتیک و برنامه

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴	۵	۳	۷	
۹		۶						
				۷		۸		
	۲		۵		۶			
		۵				۴	۸	۶
	۳	۷				۱		
۳					۹			
			۲				۵	۴
	۵	۸						

جدول کلمات متقاطع
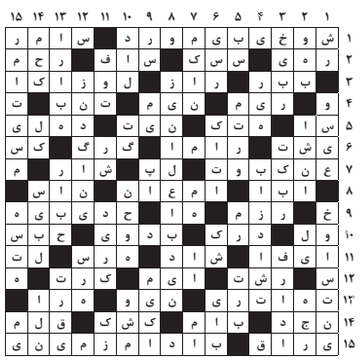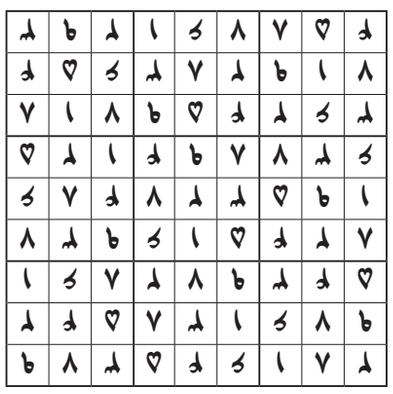
پاسخ جدول شماره ۵۰۳۰